

بررسی روابط شاخص‌های تفسیری در آزمون ترسیم خانواده کودکان ۴/۵ الی ۸ سال

Investigating the Relationships among Interpretative Indicators in Family Drawing Test of Children between 4.5 and 8 Years of Age

Y. Banki, M. A. ✉

✉ یاسمن بانکی

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشگاه شهید بهشتی

M. Aboutalebi, M. A.

مأنده ابوطالبی

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان

دریافت مقاله: ۸۹/۵/۱۵

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۸/۲۲

پذیرش مقاله: ۸۹/۱۲/۱۵

Abstract

The purpose of this present study is to investigate the existing relationships among interpretative indicators in children's family drawings. The population of the study included 57 children (18 boys and 39 girls) aged between 4.5 and 8 years old. They were selected through convenient sampling and they all took family drawing test.

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه شاخص‌های تفسیری ترسیم شده در آزمون ترسیم خانواده کودکان می‌باشد. آزمودنی‌ها شامل ۵۷ کودک (۱۸ پسر و ۳۹ دختر) ۴/۵ الی ۸ سال بودند که به صورت در دسترس انتخاب و آزمون ترسیم خانواده روی آن‌ها اجرا شد. سپس شاخص‌های تفسیری در آزمون ترسیم خانواده به منظور بررسی روابط بین آن‌ها، استخراج و در ترسیمات آزمودنی‌ها نمره‌گذاری شد.

✉Corresponding author: Department of Sociology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Tel:+989112423425
Email: ybanki@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی
تلفن: ۰۹۱۱۲۴۲۳۴۲۵
پست الکترونیکی: ybanki@yahoo.com

Based on the correlation analysis, the results of the study revealed a positive correlation between hidden Oedipal and self-valuation indicators, aluation of mother and valuation of others, drawing real family and self elimination, aggressive reactions and self elimination, depressive reactions and self elimination, and parent elimination and self elimination. Gender differences had no significant role in mother devaluation and the use of color. However gender difference had an influence in sex differentiation and drawing real family. The results of the study are discussed based on psychoanalytic theories and also the findings of previous studies.

Keyword: Interpretative indicators, Fa-mily drawing test, Family drawing in children.

نتایج تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل همبستگی نشان داد که بین شاخص‌های ادیپ پنهان با ارزنده-سازی خود، ارزنده‌سازی مادر با ارزنده‌سازی دیگران و ترسیم خانواده واقعی و حذف خود، واکنش پرخاشگرانه با حذف خود، واکنش افسرده‌وار با حذف خود، حذف والدین با حذف خود، همبستگی معناداری وجود دارد.

تفاوت‌های جنسیتی در نازنده‌سازی مادر و استفاده از رنگ معنادار نبودند، لیکن این تفاوت‌ها در رسم خانواده واقعی و ترسیم تفاوت‌های جنسیتی معنادار بودند. نتایج به دست آمده با استفاده از یافته‌های پژوهش‌های پیشین و نظریه‌های روان‌تحلیلی تبیین گردید.

کلیدواژه‌ها: آزمون ترسیم خانواده، شاخص‌های تفسیری، ترسیم خانواده کودکان.

مقدمه

جهان کودک خانواده اوست و روابطی که با آن برقرار می‌سازد برای فهم شخصیت او از اهمیت بالایی برخوردار است. کودک چگونگی روابط حال و گذشته‌اش را با والدین و خواهران و برادران در نقاشی خانواده، فرافکنی^۱ می‌کند و از آن‌جایی که تمامی زندگی عمیق عاطفی وی به این روابط وابسته است می‌توان انگیزش‌های کم و بیش پنهانی رفتار و به‌خصوص رفتار مرضی وی را بر اساس بررسی نقاشی، استنباط و آشکار کرد. در این میان آزمون ترسیم خانواده^۲ می‌تواند فرافکنی شخصیت کلی فرد را، اعم از هشیار^۳ و ناهشیار^۴ به نمایش گذارد. این آزمون نسبتاً کم سازمان‌یافته است و مزاحمتی برای فرافکنی فراهم نمی‌سازد و در عین حال آن‌قدر سازمان‌یافته هست که تحلیل شخصیت را از راه مقایسه با نتایج تجربی دیگر افراد امکان‌پذیر گرداند. یادگیری در آن مؤثر نیست و در نتیجه می‌توان آن را چندین بار تکرار کرد؛ از این رو ترسیم خانواده را می‌توان به منزله یک آزمون خوب تحول^۵ شخصیت که نشانگر تحول ارتجالی و نیز تحول به وجود آمده تحت تأثیر

درمانگری می‌باشد، در نظر گرفت (کرمن، ۱۳۸۵). اما ترسیم خانواده مانند آزمایش ادرار یا نوار قلب می‌ماند که فقط میزانی از اطلاعات را در نقطه زمانی خاص، نشان می‌دهد و نباید بیش از اندازه تفسیر شود (استاین، ۲۰۰۱). طبق نظر کامینگز^۶ (۱۹۸۱) نقاشی جنبشی خانواده^۷ می‌تواند از احساسات، ادراکات و عاطفه عمومی کودک در لحظه گرفته شده، متأثر گردد. زمانی که خلق و احساسات تغییر می‌یابند، تفاوت عملکردها می‌تواند منعکس‌کننده این تغییرات باشد. واضح است ترسیم کودک از خانواده‌اش ویژگی‌های حالت^۸ و نه ویژگی‌های صفت^۹، را اندازه‌گیری می‌کند (ماستکاف و لازاروس، ۱۹۸۳).

نقاشی نسبت به دیگر وسایل مطالعه شخصیت کودک دارای مزایایی از قبیل امکان نظارت از فاصله دور و پرهیز از دخالت غیرمستقیم بزرگسالان، امکان مقایسه نقاشی‌های مختلف تصویر شده در زمان‌های متفاوت (فراری، ۱۳۸۵)، لذت‌بخش بودن برای کودک، عدم وجود اضطراب ناشی از مورد ارزیابی قرار گرفتن که در سایر آزمون‌های روان‌شناختی مطرح می‌شود، تسهیل برقراری ارتباط با کودک (هریس، ۱۹۶۳) و غلبه بر مشکلات تحول شناخت و زبان کودکان (کوبیا و برازلتون، ۱۹۹۴)، است.

در هنگام نقاشی تمایلات هوشیار و ناهوشیار کودک، مانند خواب و رؤیا، بر روی کاغذ ظاهر می‌شود (فراری، ۱۳۸۵). مرگن اشترن^{۱۰}، در سال ۱۹۲۸ برای نخستین بار فکر کاربرد نقاشی‌های ارتجالی یا خودبه‌خودی یک کودک را به منظور تحلیل روانی^{۱۱}، به کار بست (کرمن، ۱۳۸۵). گودیناف^{۱۲} نیز دریافت که نقاشی ترسیم انسان علاوه بر هوش، ویژگی‌های شخصیتی را نیز آشکار می‌کند. این حدس وی بعدها توسط کارهای باک^{۱۳} (۱۹۴۸)، مک اور^{۱۴} (۱۹۴۹) و دیگران مورد حمایت قرار گرفت. مک‌اور معتقد بود که ترسیم در موقعیت آزمون یک فرایند عمدی و آگاهانه و شکلی از برقراری ارتباط میان مراجع و آزمونگر است که می‌تواند در برگیرنده فرافکنی‌های افراد باشد (اسکایبو، ریان وینگر و سو، ۲۰۰۷). وی بر مبنای دانش تحلیل‌گری خود، معانی نمادین خاصی را به بخش‌هایی از بدن انسان پیوند داد؛ برای مثال سر را مرکز کنترل تکانه‌های بدنی و تعادل اجتماعی و بازوها و ساق‌ها را نماد انطباق و سازگاری اجتماعی در نظر گرفت (اوستر و گودکرن، ۲۰۰۴).

بدین علت که اغلب اختلالات روان‌شناختی سازشی تابع تعارض‌های^{۱۵} روانی کودکان هستند (تعارض‌های ناشی از رقابت برادارانه^{۱۶} و تعارض‌های ادیبی^{۱۷})، شیوه‌ای که یک کودک بر اساس آن خود را در قلب خانواده منتخب قرار می‌دهد، ما را به عمق مسائل و مشکلات وی هدایت می‌کند (کرمن، ۱۳۸۵). به اعتقاد هالس^{۱۸} (به نقل از رزنیکوف و رزنیکوف، ۱۹۵۶)، تکنیک‌های ترسیم خانواده، اطلاعاتی در مورد نقش‌ها در منظومه خانوادگی، روابط بین والدین، همشیرها و تنش در خانه را فراهم می‌آورد. به صورتی که ترسیم خانواده کودکان دبستانی با افسردگی مادران آن‌ها رابطه

معناداری نشان می‌دهد (فایه‌ر، ۲۰۰۹). هم‌چنین از نقاشی خانواده کودک به عنوان ابزار معتبری برای بررسی روابط آشفته والدین، استفاده می‌گردد. برای مثال در پژوهش سیمز، نقاشی خانواده جنبشی با پاسخ‌های به دست آمده از مقیاس روابط خانواده، مقایسه و مشخص شد که نقاشی‌ها و پاسخ‌ها به طور معناداری برای پدر و مادر با یکدیگر مرتبط‌اند، لیکن روابط در مورد همشیرها معنادار نبود (سیمز، ۱۹۷۴). در پژوهشی که روی کودکان پسر ۷ تا ۱۲ سال والدین طلاق گرفته در مقایسه با هم‌تایان متعلق به خانواده‌های عادی انجام شد نتایج حاکی از آن بود که نسبت انتخاب اولین شخصیت ترسیم شده، بزرگ‌ترین شخصیت ترسیم شده، مهربان‌ترین فرد، آخرین شخصیت ترسیم شده و نامهربان‌ترین شخصیت ترسیم شده در کودکان عادی و طلاق تفاوت معناداری وجود داشت، به طوری که کودکان طلاق در ترسیم خانواده کمتر از کودکان عادی، والدین خود را به عنوان اولین شخصیت ترسیم می‌نمودند. هم‌چنین بزرگ‌ترین شخصیت ترسیم شده توسط کودکان طلاق بیشتر به خود و همشیره‌هایشان و کمتر به والدین آن‌ها اختصاص دارد (ولی‌زاده، ۱۳۸۷).

بین ترسیمات خانواده کودکانی که مورد سوءرفتار جسمی و جنسی بودند با کودکان عادی نیز تفاوت معناداری وجود دارد. کودکان دچار سوءرفتار به احتمال بیشتری بدن‌های بدشکل می‌کشند، معمولاً طرح‌های انسانی آن‌ها عاری از جزئیات است، نقاشی‌هایشان عموماً دربردارنده علائم واضعی از آسیب^{۱۹} می‌باشد و اکثراً تمایل به حذف مراقب اولیه خود را از نقاشی دارند (پایپرنو، بیاسی و لوی، ۲۰۰۷). در کودکانی که مورد سوءرفتار جسمی قرار دارند، والدین بیشترین جایگاه حذف را داشتند و شکل‌های جانبی که وابسته به گروه خانواده نیست (اغلب دوستان یا کودکان هم سن، حیوانات یا اشیاء دیگر) به تصویر اضافه می‌گردد (پایپرنو، بیاسی و لوی، ۲۰۰۷؛ پرات، ۲۰۰۱). کودکان مورد سوءرفتار جنسی نیز، خود یا والدینشان را حذف می‌نمایند در صورتی که کودکان سالم هیچ‌کدام از والدین خود را حذف نمی‌کنند (پایپرنو، بیاسی و لوی، ۲۰۰۷).

در میان ترسیمات کودکان بر حسب جنسیت^{۲۰} آنان، تمایز دیده می‌شود. پسرها بیشتر مادرشان را از نقاشی حذف می‌کنند، یا او را بدون بازو می‌کشند، که نشان‌دهنده روابط مشکل‌دار مادر و کودک است. مک‌اور نیز در زمینه نقاشی کودکان چنین یافته‌هایی را گزارش نموده است. مک‌اور مشاهده کرد که پسران نسبت به افراد مؤنث نقاشی‌ها خصومت نشان می‌دهند. پسران تمایل دارند خود را در مرکز خانواده رسم کنند که این احتمالاً نشان‌دهنده نیازشان برای مورد توجه بودن است (رزنیکوف و رزنیکوف، ۱۹۵۶). همین‌طور پسران در سنین بالاتر نسبت به پسران خردسال‌تر از رنگ کمتری در نقاشی‌هایشان استفاده می‌کنند و دختران مستقل از سنشان به استفاده از رنگ در نقاشی‌هایشان گرایش دارند. این مطلب نشانگر این است که پسران در سنین پایینی می‌توانند پاسخ‌های هیجانی خود را در زمان ترسیم، بازداری کنند در حالی که به نظر می‌رسد ابراز هیجانی در دختران، ثابت باقی می‌ماند (میلن و گرین‌وی، ۱۹۹۹). هم‌چنین در جزئیات گنجانده شده در

ترسیمات خانواده، تفاوت معناداری بر اساس سن و جنس وجود دارد (چرنی، سیورت، دایکی و فلایکتیل، ۲۰۰۶).

اکثر حامیان تفسیر آزمون‌های ترسیمی اغلب با این مسئله موافقت می‌کنند که میان یک نشانه هیجانی خاص در نقاشی و یک ویژگی معین شخصیتی، تناظر یک به یک وجود ندارد (اوستر و گودکرن، ۲۰۰۴). در بهترین حالت، ممکن است چند نشانه وجود داشته باشند که به طور ثابت نشانگر مشکلات هیجانی در افراد باشند. به همین دلیل تشخیص‌های درست نمی‌تواند و نباید بر مبنای وجود یک نشانه تنها در نقاشی انجام شود، بلکه معمولاً در هنگام تفسیر، ترکیب‌ها و الگوهای از نشانه‌ها در نظر گرفته می‌شوند (ملچیودی، ۱۹۹۸). مایلیاکا، گاکلیاردی و پسکاتوری (۲۰۱۰)، معتقدند که برای ارزیابی آزمون ترسیم خانواده، بعضی از موارد نیاز به پاسخ بله یا خیر است در صورتی که برای برخی دیگر از موارد باید کیفیت آن‌ها را در نظر گرفت. در مرحله نهایی تفسیر، متخصص بالینی می‌بایست اجزای مختلف نقاشی را به شیوه‌ای منطقی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و به تفسیر نشانه‌های خاص بپردازد (کوهن و سووردلیک، ۲۰۰۵).

در بررسی نقاشی خانواده، هالس (۱۹۵۲) بر گشتالت^{۲۱} خانواده و این‌که جزئیات تنها برای تأیید موضوع^{۲۲} کلی نقاشی تحلیل شوند، تأکید کرده است. در استفاده و مطالعه نقاشی خانواده کودک، نقاشی بایستی به عنوان یک کل واحد در نظر گرفته شود (راون، ۱۹۵۱). اعتقاد بر این است که روابط بین مؤلفه‌های نقاشی مهم‌تر از خود مؤلفه‌ها می‌باشند (هامر، ۱۹۵۸؛ به نقل از کوبیا و برازلتون، ۱۹۹۴).

با استناد به این‌که امروزه نقاشی‌های فرافکن ابزار بالینی ارزشمندی در ساختن فرضیه‌های بالینی اولیه درباره کنش‌وری‌های هوشی، تحولی و عاطفی کودکان (اوستر و گودکرن، ۲۰۰۴؛ کوهن و سووردلیک، ۲۰۰۵) و یکی از ده آزمون پر کاربرد (مارنات، ۱۳۸۶) می‌باشند و از سوی دیگر تشخیص‌های درست نمی‌تواند و نباید با استناد به وجود یک نشانه تنها در نقاشی انجام شود (ملچیودی، ۱۹۹۸)، یافتن روابط میان شاخص‌های تفسیری این آزمون ضروری است. با توجه به فقدان این گونه پژوهش‌ها در ادبیات پژوهشی و به خصوص در زمینه فرهنگی ایران، در پژوهش حاضر به بررسی روابط میان شاخص‌های تفسیری در آزمون ترسیم خانواده در کودکان پرداخته شد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری شامل کودکان ۴/۵ تا ۸ ساله دختر و پسر شهر اصفهان می‌شود. از میان مهدهای کودک، مدارس و مراکز آموزشی مربوط به کودکان، یک خانه کودک و دو مهد کودک و دو مدرسه به شیوه در دسترس انتخاب شدند. آزمون‌گران به این مراکز مراجعه کردند و بر روی کودکانی که

بین ۴/۵ تا ۸ سال داشتند و حاضر به همکاری بودند، تست ترسیم خانواده را به صورت انفرادی اجرا کردند. از ۷۰ کودک آزمون گرفته شد ولی نمونه نهایی شامل ۵۹ نقاشی بود. ۱۱ نقاشی فاقد ملاک‌های لازم برای نمره‌گذاری بودند.

ابزار پژوهش

آزمون ترسیم خانواده^{۲۳}: در این آزمون از کودک خواسته می‌شود تا به ترسیم یک خانواده بپردازد. این دستورالعمل توسط پورو^{۲۴} و دیگران در فرانسه و اپل^{۲۵} در امریکا به اجرا درآمد. آزمون ترسیم خانواده این امکان را فراهم می‌سازد که بتوان بدون آگاهی کودک، احساسات واقعی او را نسبت به اعضای خانواده‌اش شناخت و موقعیتی را که برای خود در خانواده قائل است، دانست. چه بررسی روابطی که کودک با اعضای خانواده‌اش برقرار می‌سازد، برای درک شخصیت او از اهمیت خاصی برخوردار است (کرمن، ۱۳۸۵).

شیوه اجرا

کودک در مقابل میزبندی متناسب جثه‌اش برای داشتن تسلط کافی در هنگام ترسیم، نشانداده شد و یک برگ کاغذ سفید و هفت عدد مداد رنگی (شامل رنگ‌های زرد، سیاه، بنفش، قهوه‌ای، نارنجی، آبی، سبز، قرمز) با نوک تراشیده شده و نسبتاً نرم در اختیار او قرار گرفت. سپس به او گفته شد «یک خانواده بکش» یا «یک خانواده را در فکر خودت تصور و آن را نقاشی کن». آزمون‌گر در طول مدت ترسیم، به مشاهده کودک و نحوه فعالیت او مشغول بود. در صورت تامل و تردید کودک با لبخند یا کلمه‌ای، به ادامه فعالیت ترغیب می‌گشت. چنان‌چه بعضی از کودکان دچار وقفه یا بازداری بودند و یا درخواست داشتن خط‌کش یا پاک‌کن برای کشیدن نقاشی داشتند، آزمون‌گر آن‌ها را تشویق می‌نمود و مطمئن می‌ساخت که به خوبی و بدی نقاشی نمره داده نمی‌شود و عملکردش به هر صورت مورد قبول است. در طول زمان اجرای آزمون واکنش‌های عاطفی کودک (وقفه‌ها، شگفت‌زدگی‌ها، تغییرات خلقی که می‌توانست مرتبط با شخصی که کودک در حال کشیدن آن بود، باشد)، این‌که کودک نقاشی را در چه قسمتی از کاغذ و با چه شخصی شروع کرده بود، ترتیب کشیدن افراد، زمانی که برای ترسیم هر یک از اشخاص اختصاص داده شده بود و دقت اعمال شده در کشیدن جزئیات، همگی مورد توجه قرار گرفته و یادداشت شدند.

پس از اتمام نقاشی به نحوی ظریف، کار با تمجید از نقاشی کودک آغاز گشت. سپس به او گفته شد «حالا این خانواده‌ای را که کشیدی برای من تعریف کن»، بعد از او پرسیده شد: «این‌ها کجا هستند؟» و «این‌جا چه کار می‌کنند؟» و هم‌چنین: «به من بگو یک یک این اشخاص کی هستند. از آن‌که اول کشیدی شروع کن». نقش و جنسیت هر یک از افراد ترسیم شده، ثبت شد. در پایان پنج

پرسش تعقیبی شامل: در این خانواده کدام فرد از همه مهربان‌تر است؛ کدام فرد کمتر مهربان است؛ کدامیک از همه خوشبخت‌تر است؛ کدام از همه کمتر خوشبخت است؛ در این خانواده چه کسی به نظر تو از همه بهتر است و چرایی هر کدام از جواب‌ها، از کودک پرسیده شد. همچنین نقاشی کودک با ترکیب خانواده واقعی وی مقایسه و یادداشت گردید.

به منظور تفسیر و نمره‌گذاری، ملاک‌های هر شاخص در سه سطح متفاوت تفسیری، ترسیمی، ساخت‌های صوری و محتوا در نظر گرفته شدند. شاخص‌های مورد بررسی شامل نارزنده‌سازی، ارزنده‌سازی، واکنش‌های پرخاشگرانه، واکنش‌های افسرده‌وار، موقعیت‌های ادیپال صریح و موقعیت‌های ادیپال پنهانی، بودند. به منظور کسب پایایی بین ارزیاب‌ها^{۲۴} دو پژوهش‌گر به صورت مستقل ۱۵ عدد (تقریباً معادل ۲۵ درصد) از نقاشی‌ها را نمره‌گذاری کردند و برای هر یک از شاخص‌ها ضریب توافق مربوطه به دست آمد.

ملاک‌ها در شاخص نارزنده‌سازی^{۲۷} شامل شخصی بود که کوچکتر از دیگران، در آخرین مرحله کشیده شود، با فاصله از دیگران یا در سطحی پایین‌تر از دیگران و به خوبی دیگران ترسیم نشده باشد یا جزییات کمتری از دیگر افراد ترسیم شده داشته باشد، ارزیابی کهنتر کننده یا یک تغییر سن داشته باشد، در بررسی نامش ذکر نگردد و از پرداختن به او چشم‌پوشی شود، به ندرت معرف شخصیت آزمودنی است و با آن همسان‌سازی نمی‌کند، بین اجزا مختلف بدنش تناسب نباشد و یا به کلی حذف گردد. پایایی بین ارزیاب‌ها برای نارزنده‌سازی مادر ($p = 0/00$, $r = 0/64$)، نارزنده‌سازی خود ($p = 0/00$, $r = 0/73$) و نارزنده‌سازی همشیر ($p = 0/00$, $r = 0/94$) به دست آمد.

ملاک‌ها در شاخص ارزنده‌سازی^{۲۸} شامل شخصی بود که در وهله نخست و در اندازه بزرگتری از دیگران کشیده شود، دقت و مواظبت بیشتری در ترسیم آن گردد، اشیا افزوده شده داشته باشد، کانون توجه اشخاص دیگر در نقاشی باشد، در مصاحبه ارزنده‌سازی شود و یا کودک دوست دارد جای آن شخص باشد. توافق بین ارزیاب‌ها برای ارزنده‌سازی مادر ($p = 0/00$, $r = 0/89$)، ارزنده‌سازی پدر ($p = 0/00$, $r = 0/82$)، ارزنده‌سازی خود ($p = 0/00$, $r = 0/98$) و ارزنده‌سازی همشیر ($r = 0/78$) خوب بود. ($p = 0/00$)

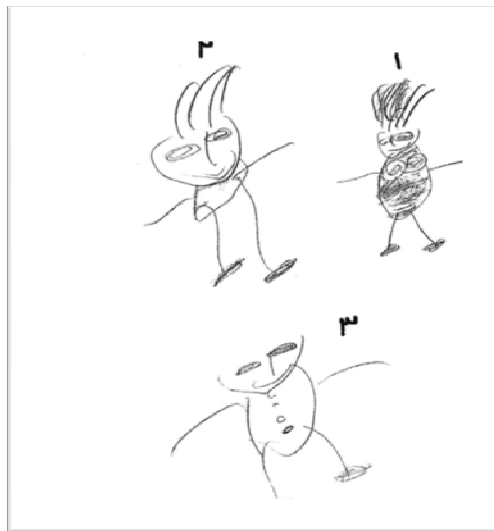
ملاک‌ها در شاخص واکنش‌های پرخاشگرانه^{۲۹} شامل این موارد می‌گشت: حذف رقیب، نقاشی بدون کودک، بی‌ارزش‌سازی رقیب (کوچکتر ترسیم کردن، ناقص یا زشت کشیدن و به طور کلی هر نوع نارزنده‌سازی به جز حذف نمودن). توافق بین ارزیاب‌ها برای واکنش‌های پرخاشگرانه بالا بود. ($p = 0/00$, $r = 0/88$)

ملاک‌ها در شاخص واکنش‌های افسرده‌وار^{۳۰} شامل این موارد می‌گشت: حذف خود، همسان‌سازی با بدترین و شرورترین، نارزنده‌سازی خود، واپس‌روی^{۳۱} و همانندسازی^{۳۲} با نوزاد، حالت چهره‌ی غمگین. پایایی بین ارزیاب‌ها برای واکنش‌های افسرده‌وار نسبتاً خوب بود ($p = 0/00$, $r = 0/78$).

ملاک‌ها در شاخص موقعیت‌های ادیپال صریح^{۳۳} شامل این موارد می‌گشت: همسان‌سازی با والد هم‌جنس، نزدیک بودن به والد جنس مخالف، پرخاشگری حسادت‌آمیز علیه والد هم‌جنس، نارزنده‌سازی والد هم‌جنس، حذف والد هم‌جنس، ترسیم جداگانه و با فاصله‌ی والدین. پایایی بین ارزیاب‌ها برای موقعیت‌های ادیپال صریح ($p = 0/0$, $r = 0/88$) به دست آمد.

ملاک‌ها در شاخص موقعیت‌های ادیپال پنهانی^{۳۴} شامل این موارد می‌گشت: پرخاشگری ادیپی به صورت نماد حیوانی، رابطه با فاصله کودک با والدین، بازگشت خوددوست‌داری به خود فرد (فزون سرمایه‌گذاری به سوی کودک)، واپس‌روی پیش ادیپی^{۳۵} و رقابت برادرانه، معکوس‌شدگی ادیپ (همانندسازی با والد غیر هم‌جنس)، ترسیم پدر به عنوان دایه. توافق بین ارزیاب‌ها برای موقعیت‌های ادیپال پنهانی ($p = 0/0$, $r = 0/65$) به دست آمد.

رابطه بین این شاخص‌ها با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن، آزمون t مستقل و آزمون مان-ویتنی، در نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.



شکل ۱: نمونه موردی شاخص‌های ادیپ پنهانی

شکل ۱ آزمون ترسیم خانواده پسر ۵۸ ماهه است. ترتیب ترسیم شامل: فرد ۱ پدر، فرد ۲ مادر و فرد ۳ خود کودک است. پدر به عنوان دایه (داشتن پستان که کودک در بررسی نیز به آن اشاره کرده است)، همسان‌سازی با والد غیرهم‌جنس (همسان‌سازی با مادر و ارزنده‌سازی کلامی مادر) و رابطه با فاصله کودک با والدین، به عنوان ملاک‌های شاخص ادیپ پنهانی.



شکل ۲: نمونه موردی ارزنده‌سازی

شکل ۲ آزمون ترسیم خانواده دختری ۹۴ ماهه است. از میان تمام افراد خانواده، کودک فقط خود را با دقت و مراقبت زیادی ترسیم کرده و والدین و برادر ۳ ساله‌اش را حذف نموده است. کشیدن اشیاء افزوده و نمادهای زنانه (موهای بلند و دامن). با توجه به نکشیدن دست و پا و همانندسازی با مادر در مصاحبه تعقیبی، به احتمال زیاد این فزون ارزنده‌سازی، مکانسیم جبرانی می‌باشد.



شکل ۳. نمونه موردی معکوس شدگی ادیپ و واکنش‌های پرخاشگرانه

شکل ۳ آزمون ترسیم خانواده پسری ۶۱ ماهه است که مادری بسیار کمال‌گرا و یک برادر بزرگتر بیمار دارد که تمام توجه مادر را به خود اختصاص داده است. ترتیب ترسیم افراد: ۱ فردی اشتباهی (در واقع همان برادر کودک که پس از ترسیم خط زده شد)، ۲ کودک، ۳ پدر و ۴ مادر. حذف همشیر و ناقص کشیدن، ملاک‌های شاخص واکنش‌های پرخاشگرانه هستند. ملاک‌های نشانگر معکوس‌شدگی عقده ادیپ: همسان‌سازی با والد جنس مخالف (شکل ترسیم صورت و بدن)، نزدیک بودن به والد هم‌جنس و نارزنده‌سازی والد جنس مخالف (آخرین مکان ترسیم و هم به صورت نارزنده‌سازی کلامی: سوسول و کمتر از همه مهربان است).

یافته‌ها

داده‌های جمعیت‌شناختی پژوهش حاضر نشان می‌دهند که از ۵۷ کودک شرکت‌کننده در این پژوهش ۶۸/۴٪ دختر و ۳۱/۶٪ پسر هستند. هم‌چنین گستره‌ی سنی آزمودنی‌ها بین ۴/۵ تا ۸ سال، با میانگین سنی ۵/۷۵ سال (۶۹/۴ ماه) می‌باشد. در جدول ۱ تعداد، درصد فراوانی، میانگین سنی و انحراف استاندارد در دو گروه دختر و پسر و کل آزمودنی‌ها نشان داده شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها

انحراف استاندارد سن	میانگین سن*	درصد فراوانی	تعداد	
۱۴/۸	۷۰/۵	۶۸/۴	۳۹	دختر
۱۳/۲	۶۷/۱	۳۱/۶	۱۸	پسر
۱۴/۳	۶۹/۴	۱۰۰	۵۷	کل

*سن بر اساس ماه محاسبه شده است.

در جدول ۲ ماتریس همبستگی میان نمرات شاخص‌های تفسیری آزمون ترسیم خانواده ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول ۲ آمده است همبستگی میان نمرات شاخص ادیپ پنهان با ارزنده‌سازی خود، مثبت و معنادار می‌باشد. شاخص ارزنده‌سازی مادر با ارزنده‌سازی دیگران همبستگی مثبت و با ترسیم خانواده واقعی و با حذف خود همبستگی منفی دارد. نمرات کسب شده در شاخص واکنش پرخاشگرانه با نمرات شاخص حذف خود همبستگی مثبت نشان می‌دهد. شاخص واکنش افسرده‌وار با حذف خود همبستگی مثبت و با ارزنده‌سازی خود رابطه منفی دارد. هم‌چنین برای نمرات شاخص حذف والدین با حذف خود همبستگی مثبت به دست آمده است. در جدول ۲ می‌توان مشاهده نمود

که میزان همبستگی‌های به دست آمده برای شاخص‌های تفسیری در این پژوهش از ۰/۲۷ تا ۰/۴۲ متغیر بود.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین شاخص‌های تفسیری آزمون ترسیم خانواده

متغیرها	ادیب پنهان	واکنش افسرده‌وار	واکنش پرخاشگرانه	ارزنده-سازی خود	ارزنده-سازی دیگران	ترسیم خانواده واقعی	حذف خود	حذف والدین
ادیب پنهان	۱							
واکنش افسرده‌وار	**۰/۳۱-	۱						
واکنش پرخاشگرانه	۰/۱۹	۰/۱	۱					
ارزنده‌سازی مادر	**۰/۳۲-	۰/۰۴	۰/۱۵-	۱				
ارزنده‌سازی خود	**۰/۳۵-	*۰/۴۸-	۰/۱۳-	۰/۱۷-	۱			
ارزنده‌سازی دیگران	۰/۱۶-	**۰/۳۷-	۰/۱۶-	*۰/۲۸	**۰/۳۸-	۱		
ترسیم خانواده واقعی	۰/۱۵-	۰/۱۶-	۰/۱۹-	*۰/۳۱-	۰/۲۴	۰/۲۷-	۱	
حذف خود	۰/۱۵-	**۰/۴۲-	**۰/۳۸-	*۰/۲۷-	**۰/۵۱-	**۰/۳۴-	**۰/۵۱-	۱
حذف والدین	۰/۱۶	۰/۱۶	*۰/۲۸	**۰/۵۱-	۰/۰۸-	**۰/۴۹-	**۰/۴۲-	۱

*P>۰/۰۵ **P>۰/۰۱

به دلیل همپوشانی بین ملاک شاخص‌های مورد نظر، وجود معناداری در همبستگی میان آن‌ها امری طبیعی فرض شده است. از این رو از ذکر و تبیین این همبستگی‌ها، چشم‌پوشی گردید.

جدول ۳ نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه تفاوت بین دو گروه دختر و پسر در شاخص نارزنده‌سازی مادر، را ارائه می‌دهد. چنانچه مشاهده می‌شود تفاوت معناداری بین دو گروه دختر و پسر در نمرات کسب شده از شاخص نارزنده‌سازی مادر، مشاهده نشد.

جدول ۳: مقایسه میانگین دو گروه دختر و پسر در متغیر نارزنده‌سازی مادر

سطح معناداری	درجه آزادی	t	نارزنده‌سازی مادر
۰/۴۶	۵۵	۰/۷۴-	

نتایج حاصل از آزمون مان-ویتنی مبین این مطلب است که در رسم خانواده واقعی و ترسیم تفاوت‌های جنسیتی بین گروه دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد در صورتی که در استفاده از رنگ در نقاشی، تفاوت معناداری بین دو گروه دیده نشد (جدول ۴).

جدول ۴: مقایسه دو گروه دختر و پسر در متغیرهای استفاده از رنگ،

تمایز جنسیتی و رسم خانواده واقعی

سطح معناداری	Z	U (یومان ویتنی)	
۰/۰۱	-۲/۴	۲۳۴	رسم خانواده واقعی
۰/۰۰۱	-۳/۳	۱۸۷	تفاوت‌های جنسیتی
۰/۰۰۹	-۱/۶	۲۷۷	استفاده از رنگ

بحث

نتایج به دست آمده در این پژوهش حاکی از این بود که شاخص‌های ادیپ پنهان با شاخص‌های ارزنده‌سازی خود کودک همبستگی مثبتی را نشان می‌داد. از دیدگاه روان‌تحلیلی، کودکان با محدوده‌ی سنی آزمودنی‌های این پژوهش، اکثراً در مرحله ادیپال قرار دارند و مشخصه‌ی بارز این دوران اقدام کودک به همانندسازی با والد هم‌جنس است. به وسیله‌ی درون‌فکنی پسر خود را با پدر و دختر با مادر همسان می‌سازد. این همسان‌سازی به منزله‌ی ایجاد توانمندی یا تمایل به ایفای نقش در مقابل جنس مخالف است (منصور، ۱۳۷۸). می‌توان خود ارزنده‌سازی کودک را در نقاشی‌هایش، معادل توانمندسازی یا تجهیز خود برای ایفای نقش در جایگاه والد هم‌جنس دانست؛ از این رو همبستگی میان شاخص‌های ادیپ پنهان با شاخص‌های خود ارزنده‌سازی توجیه‌پذیر است. هر دوی شاخص‌های واکنش‌های افسرده‌وار و واکنش‌های پرخاشگرانه همبستگی مثبت و معناداری با حذف خود نشان می‌دادند. در نظریه‌های روان‌تحلیل‌گری، افسردگی و پرخاشگری قرابت زیادی با یکدیگر دارند و منشاء آن‌ها را یکسان دانسته‌اند. در افسردگی دوره‌های دوم و سوم کودکی پاره‌ای از رفتارهای کودک به منزله نشانه مستقیم یک احساس گناهکاری یا نیاز به تنبیه به نظر می‌رسد. مثلاً زخمی شدن‌های مکرر، بروز مجدد رفتارهای خود پرخاشگرانه و بالاخره قصد خودکشی در کودک و از طرفی دیگر دسته‌ای از اعمال پرخاشگرانه در طیف رفتارهایی قرار می‌گیرند که ملانی کلاین^{۳۶} آن‌ها را دفاع آشفته‌وار می‌نامد که به منظور انکار هر حالت افسرده‌وار یا برای غلبه بر آن‌ها بروز می‌کند (کلاین، ۱۹۶۸؛ به نقل از دادستان، ۱۳۸۴). از طرفی دیگر کلاین عنوان می‌کند که پرخاشگری کودک از فرافکنی‌های جنسی سرکوب‌شده نسبت به پدر و مادر نشأت می‌گیرد. امن‌ترین راه‌حل برای کودک در ابراز خشم، خیال‌پردازی است و کودک می‌تواند آزادانه خشم خود را از طریق قطع کردن و از بین بردن، تخلیه کند (کلاین به نقل از دادستان و منصور، ۱۳۸۱). زمانی که خیال‌پردازی‌های کودک خشمگین به ترسیمات او راه پیدا می‌کند، قطع کردن می‌تواند به وسیله نازنده‌سازی و از بین بردن یا حذف نمودن، نمود پیدا کند. بنابراین وجود همبستگی میان واکنش‌های

افسرده‌وار با حذف خود و واکنش‌های پرخاشگرانه با حذف خود، از دیدگاه روان‌تحلیل‌گری و با نظریه روابط موضوعی^{۳۷} کلاین قابل توجیه به نظر می‌رسد.

بیشتر کودکانی که والدینشان را در نقاشی‌ها حذف می‌نمودند خودشان را نیز ترسیم نمی‌کردند. این یافته می‌تواند این‌گونه تبیین گردد که احتمال دارد کودک خانواده‌ای به جز خانواده خود (یک خانواده ایده‌آل واقعی یا تخیلی) را برای ترسیم انتخاب نماید که در آن هیچ کدام از والدین و خود کودک تصویر نشده است. از طرفی دیگر پایپرنو و همکارانش (۲۰۰۷) حذف والدین را نشان‌دهنده مشکلات در فرایند همانندسازی عنوان می‌نمایند و آن را برای کودکان به عنوان نشانه مهمی از فشار هیجانی می‌دانند. هر دوی این موارد یعنی نداشتن الگویی برای همانند ساختن خود با آن و نیز تحمل فشار هیجانی، می‌تواند دلیلی برای ترسیم نکردن و حذف خود گردد.

در پژوهش ما تفاوتی بین نازنده‌سازی مادران دو گروه دختر و پسر مشاهده نشد که این برخلاف یافته‌های مک اور (به نقل از رزنیکوف و رزنیکوف، ۱۹۵۶) بود. ممکن است دلیل این عدم تفاوت در پایین بودن تعداد گروه پسران نسبت به دختران (۱۸ به ۳۹) باشد.

نتایج پژوهش نشان داد که در رسم خانواده واقعی و ترسیم تفاوت‌های جنسیتی بین گروه دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد. در ملاک استفاده از رنگ در نقاشی، بین دو گروه تفاوت دیده شد ولی این تفاوت از لحاظ آماری معنادار نبود. در تبیین یافته‌ها تمایز میان دو گروه دختر و پسر در ترسیم تفاوت‌های جنسیتی می‌توان به نظریه فروید در ارتباط با مرحله ادیپی و انحلال عقده‌ی ادیپ استناد جست. با انحلال عقده ادیپ ممنوعات درونی و تفاوت بین زن و مرد پذیرفته می‌شوند. انصراف از ادیپ به دلیل ترس از دست دادن والد هم‌جنس است، ترسی که در دختران به اندازه دلهره اختگی^{۳۸} توانمند و پویا نیست (دادستان و منصور، ۱۳۸۱). چون شدت عقده ادیپ در دختران کمتر از پسران تصور می‌شود و بنابراین عبور از این مرحله و انحلال ادیپ برای آنان آسان‌تر است، شاید به این دلیل باشد که دختران زودتر از پسران تفاوت دو جنس را درونی می‌کنند و آن را در نقاشی‌های خود نشان می‌دهند. هم‌چنین یافته‌های پیشین مبنی بر این است که پسران در نقاشی‌هایشان نسبت به دختران از رنگ کمتر استفاده می‌کنند و هر چه سن افزایش می‌یابد این تمایز در استفاده از رنگ بین دختران و پسران بیشتر می‌شود (میلن و گرین وی، ۱۹۹۹). در پژوهش کنونی نیز تفاوت بین دو گروه دختر و پسر یافت شد ولی از لحاظ آماری معنادار نبود (۰/۰۹). در تبیین این مطلب می‌توان به دو عامل حجم کمتر گروه پسران در برابر گروه دختران و نیز پایین بودن سن آزمودنی‌ها (۴/۵ الی ۸ سال) اشاره نمود که نتایج را متأثر ساخته است.

نتایج پژوهش ما حاکی است ارزنده‌سازی مادر با ارزنده‌سازی دیگران، همبستگی مثبت و با ترسیم خانواده واقعی و حذف خود، همبستگی منفی دارد. پرات دلیل عدم ترسیم خانواده واقعی را در کودکان مورد سوءرفتار، آرزوی این کودکان برای «کس دیگری بودن» ذکر کرده که بر انتخاب

واقعیت «خودشان بودن»، غلبه کرده است (پرات، ۲۰۰۱). کودکانی که در نقاشی‌های خود به ارزنده‌سازی مادران پرداخته بودند، به احتمال بیشتری خودشان را کشیده بودند و همین‌طور افرادی غیر از افراد خانواده اصلی خود را ارزنده ساخته بودند. لیکن این دسته از کودکان کمتر خانواده واقعی خود را کشیده بودند. شاید بتوان این یافته‌ها را در این غالب تبیین نمود که کودکانی که اغلب خودشان را در خانواده‌ای غیر از خانواده خود ترسیم می‌کنند با ارزنده‌سازی مادر و شخصی که در واقعیت جز خانواده‌اش نیست، دست به خلق خانواده‌ای ایده‌آل می‌زنند که تمایل به حضور در آن را دارند و بنابراین خودشان را به احتمال بیشتری در آن به تصویر می‌کشند.

با توجه به بدیع بودن پژوهش کنونی و نبود پیشینه پژوهشی مرتبط، بدیهی است که تکرار مطالعات و طراحی پژوهش‌های هدفمند با موضوعات مشابه در آینده به سؤالات و ابهامات موجود در این زمینه پاسخ‌های روشن‌تری خواهد داد.^{۳۹}

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|--------------------------------|---------------------------------|
| 1. Projection | 21. Gestalt |
| 2. Family Drawing Test | 22. Theme |
| 3. Conscious | 23. Family Drawing Test |
| 4. Unconscious | 24. Porot |
| 5. Development | 25. Appel |
| 6. Cummings | 26. Interrator Reliability |
| 7. Kinetic Family Drawing Test | 27. Devaluation |
| 8. State | 28. Valuation |
| 9. Trait | 29. Aggressive Reactions |
| 10. Morgen Stern. S. | 30. Depressive Reactions |
| 11. Psychoanalysis | 31. Regression |
| 12. Goodenough | 32. Identification |
| 13. Buck | 33. Explicit Oedipal Conditions |
| 14. Machover | 34. Implicit Oedipal Conditions |
| 15. Conflict | 35. Pre Oedipal |
| 16. Sibling Rivalry | 36. Melanie Klein |
| 17. Oedipal Conflicts | 37. Object relations |
| 18. Hulse | 38. Castration Anxiety |

۳۹. با سپاس فراوان از خانم‌ها آذین پهلوان و نیره وثیق انصاری که در گردآوری داده‌های این پژوهش، با نویسندگان این مقاله همکاری داشته‌اند.

19. Trauma
20. Gender

منابع

دادستان، پ. (۱۳۸۴). روان‌شناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگسالی (جلد اول). تهران: انتشارات سمت.

- دادستان، پ.، و منصور، م. (۱۳۸۱). روان‌شناسی ژنتیک ۲: از روان‌تحلیل‌گری تا رفتارشناسی. تهران: انتشارات رشد.
- فراری، آ. ا. (۱۳۸۵). نقاشی کودکان و مفاهیم آن (ترجمه ع. صرافان). تهران: انتشارات دستان.
- کرمن، ل. (۱۳۸۵). نقاشی کودکان: کاربرد آزمون ترسیم خانواده در کلینیک (ترجمه پ. دادستان و م. منصور). تهران: انتشارات رشد.
- مارنات، گ. گ. (۱۳۸۶). راهنمای سنجش روانی برای روان‌شناسان بالینی و روان‌پزشکان (ترجمه ح. پاشا شریفی، جلد دوم). تهران: انتشارات رشد.
- منصور، م. (۱۳۷۸). روان‌شناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری. تهران: انتشارات سمت.
- ولی‌زاده، ش. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر جدایی والدین در شاخص‌های ترسیمی آزمون ترسیم خانواده (DAF) در دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی شهر تهران. چکیده مقالات سومین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده، ۳۹۷.

- Cherney, I. D., Seiwert, C. S., Dickey, T. M., & Flichtbeil, J. D. (2006). Children's drawings: A mirror to their minds. *Journal of Educational Psychology, 26(1)*, 127.
- Cobia, D. C., & Brazelton, E. W. (1994). The application of family drawing tests with children in remarriage families: Understanding familial roles. *Elementary School Guidance & Counseling, 29(2)*, 129-137.
- Cohen, R. J., & Swerdlik, M. E. (2005). *Psychological testing and assessment* (6th ed.). Boston: McGraw Hill Higher Education.
- Fihrer, I., & McMahan, C. (2009). Maternal working model of attachment, maternal depression and children's family drawings in the early school years. *Journal of Psychoneuroendocrinology, 11*, 537-556.
- Harris, D. (1963). *Children's drawings as measure of intellectual maturity*. New York: Harcourt, Brace and World, Inc.
- Malchiodi, C. A. (1998). *Understanding children's drawings*. New York: The Guilford Press.
- Milene, L. C., & Greenway, P. (1999). Color in children's drawings: The influence of age and gender. *The Arts in Psychotherapy, 26(4)*, 261-263.
- Miliacca, C., Gagliardi, G., & Pescatori, M. (2010). The 'Draw-the-Family Test' in the preoperative assessment of patients with anorectal diseases and psychological distress: A prospective controlled study. *Colorectal Disease, 12(8)*, 792-798.
- Mostkoff, D. L., & Lazarus, P. J. (1983). The kinetic family drawing: The reliability of an objective scoring system. *Psychology in the Schools, 20*, 16-20.
- Oster, G. D., & Gould Crone, P. (2004). *Using drawings in assessment and therapy: A guide for mental health professionals* (2nd ed.). New York: Taylor & Francis Group.
- Pratt, C. (2001). The predictive impact of domestic violence on three types of child maltreatment. *Journal of Child Abuse & Neglect, 25*, 869-883.
- Piperno, F., Biasi, S. D., & Levi, G. (2007). Evaluation of family drawings of physically and sexually abused children. *Journal of European Child & Adolescent Psychiatry, 16(6)*, 389-397.
- Reznikoff, M., & Reznikoff, H. R. (1956). The Family drawing test: A comparative study of children's drawings. *Journal of Clinical Psychology, 12*, 167-169.
- Sims, C. A. (1974). Kinetic family drawings and the family relations indicator. *Journal of Clinical Psychology, 30(1)*, 87-88.

- Skybo, T., Rayan-Wenger, N. A., & Su, Y. (2007). Human figure drawings as a measure of children's emotional status: Critical review for practice. *Journal of Pediatric Nursing, 22(1)*, 15-28.
- Stein, M. T. (2001). Challenging case: Family relationships and issues: The use of family drawings by children in pediatric practice. *Journal of Pediatrics, 107(4)*, 855-860.